

مقاله‌ی پژوهشی

بررسی مقایسه‌ای باورهای خودکارآمدی شغلی دختران و پسران دبیرستانی

خلاصه

* محبوبه فولادچنگ

استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی،
دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه شیراز

مقدمه: شواهد موجود بیانگر نقش باورهای خودکارآمدی در انتخاب مشاغل و رشد حرفه‌ای است. این باورها ممکن است در دو جنس متفاوت باشند. تحقیق حاضر با هدف مقایسه‌ی باورهای خودکارآمدی شغلی دختران و پسران دبیرستانی انجام شده است.

روش کار: این مطالعه مقایسه‌ای بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی استان فارس انجام شد. شرکت‌کنندگان شامل ۱۸۳۳ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۰۰۷ دختر و ۸۲۶ پسر) به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین مناطق مختلف استان فارس انتخاب شدند. تمامی شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌ی خودکارآمدی شغلی را تکمیل کردند. پایایی و روایی ابزار با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ و روایی ملاکی بررسی شد و به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس یک‌سویه استفاده شد.

یافته‌ها: دختران و پسران در خودکارآمدی تحصیلی مشاغل مردانه تفاوت معنی‌داری نداشتند ($P > 0.05$)، در حالی که دختران نمرات پایین‌تری در مورد باورهای خودکارآمدی انجام وظایف شغل‌های مردانه کسب کردند ($P = 0.03$). دختران نمرات بالاتری در مورد خودکارآمدی تحصیلی مشاغل زنانه ($P = 0.001$) و خودکارآمدی انجام وظایف شغلی زنانه ($P = 0.001$) کسب کردند. **نتیجه‌گیری:** بر خلاف مشاغل زنانه، دختران در مشاغل مردانه خودباوری کمتری در کارآمدی خود دارند گرچه از خودکارآمدی تحصیلی برابر سود می‌برند.

واژه‌های کلیدی: پسران، جنسیت، خودکارآمدی، دختران، شغل

* مولف مسئول:

شیراز، مجتمع دانشگاهی پردیس ارم،
دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی،
بخش روان‌شناسی تربیتی
تلفن: ۰۷۱۱-۶۱۳۴۶۸۳
foolad@shirazu.ac.ir
تاریخ وصول: ۸۸/۲/۱۱
تاریخ تایید: ۸۸/۹/۲۲

پی‌نوشت:

این مطالعه پس از تایید کمیته‌ی پژوهشی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز انجام شده و با منافع شخصی نویسنده ارتباطی نداشته است. از سازمان آموزش و پرورش استان فارس که با حمایت مالی و مساعدت در اجرای این پژوهش همکاری ارزنده‌ای داشته‌اند سپاسگزاری می‌شود.

Original Article

Comparison of career self-efficacy believes in high school female and male students

Abstract

Introduction: The evidences indicate the influence of individuals' self-efficacy beliefs in career choice and development that may be different in males and females. This study was planned to compare career self-efficacy beliefs in high school male and female students.

Materials and Methods: This comparative study was performed in high school students of Fars province, south-western part of Iran. Participants included 1833 high school students (1007 females and 826 males), who were selected by cluster sampling method from different regions of Fars province. All participants completed Career Self-efficacy Scale. Cronbach alpha and criterion validity coefficients were used to examine reliability and validity. The one-way analysis of variance was used to analyze data.

Results: There was no significant difference between females and males in studying self-efficacy for male-dominated occupations ($P>0.05$), while females obtained lower scores in career task self-efficacy for male-dominated occupations ($P<0.03$). Females obtained higher scores in the studying self-efficacy ($P<0.0001$) and career task self-efficacy ($P<0.0001$) for female-dominated occupations.

Conclusion: Girls have lower career task self-efficacy beliefs in male-dominated occupations despite their equal studying self-efficacy with boys in this domain.

Keywords: Job, Self-efficacy, Sex differences

**Mahboobeh Fouladchang*
Assistant professor of
educational psychology,
Faculty of psychology and
educational sciences, Shiraz
University, Shiraz, Iran

***Corresponding Author:**
Department of educational
psychology, Faculty of
psychology and educational
sciences, Pardis Eram
Universities, Shiraz, Iran
foolad@shirazu.ac.ir
Tel: +987116134683
Received: May. 01, 2009
Accepted: Dec. 13, 2009

Acknowledgement:

This study was reviewed and approved by the research committee of faculty of psychology of Shiraz University. No grant has supported the present study and the authors had no conflict of interest with the results.

Vancouver referencing:

Fouladchang M. Comparison of career self-efficacy believes in high school female and male students. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2010; 11(4): 334-43.

مقدمه

در چند دهه‌ی اخیر، بررسی تفاوت‌های جنسیتی^۱ در زمینه‌ی رشد حرفه‌ای و انتخاب شغل توسط افراد از اهمیت زیادی نزد محققان مختلف برخوردار شده است (۲، ۱). بر اساس بیشتر پژوهش‌ها کودکان از همان ابتدا نشان می‌دهند که دارای ترجیحات شغلی وابسته به کلیشه‌های جنسیتی هستند. برای مثال، پسران بیشتر مشاغلی را ترجیح می‌دهند که هم‌سو با کلیشه‌های جنسیتی مردانه باشند (۳). در دبیرستان نیز دختران بیشتر جذب رشته‌های هنری، علوم انسانی و مشاغلی می‌شوند که به طور سنتی زنانه به حساب می‌آیند در حالی که پسران بیشتر شغل‌های مهندسی، پژوهش‌گری و یا رشته‌های علوم فیزیکی را ترجیح می‌دهند (۴). مردان دانشجو نیز بیشتر شغل‌هایی را انتخاب می‌کنند که مناسب نقش‌های جنسیتی پسران باشد (۷-۵).

بر اساس دیدگاه شناختی اجتماعی، باورهای خودکارآمدی^۲ افراد بیش از سایر متغیرهای انگیزشی نظیر خودپنداره^۳ یا عزت نفس^۴ و حتی در مواردی بیش از متغیرهایی مثل توانایی یا استعداد می‌تواند پیش‌بینی کننده‌ی پیشرفت تحصیلی، انتخاب رشته و شغل، تکمیل موفق یک حرفه و مشارکت دختران و پسران در فعالیت‌های اجتماع باشد (۵، ۸). منظور از باورهای خودکارآمدی میزان اطمینانی است که هر فرد به توانایی خود در زمینه‌ی اجرای یک رشته امور یا انجام یک تکلیف خاص ابراز می‌نماید (۹). افرادی که در یک زمینه دارای باور خودکارآمدی بالا هستند اهداف چالش‌انگیزتری را که مستلزم تلاش بیشتری است انتخاب می‌کنند، استقامت و پشتکار بیشتری در انجام تکالیف دارند و واکنش منفی کمتری نسبت به شکست نشان می‌دهند (۹).

تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که باورهای خودکارآمدی شغلی^۵ نقش کلیدی و مهمی در توسعه‌ی حرفه‌ای افراد بازی می‌کند. به عبارت دیگر، باورهای خودکارآمدی شغلی تاثیر زیادی بر انتخاب شغل و رشته توسط نوجوانان و جوانان دارند.

منظور از باورهای خودکارآمدی شغلی ارزیابی شناختی افراد در زمینه‌ی توانایی خود برای انجام تکالیف یک شغل می‌باشد (۱۰). به اعتقاد برخی محققان، به دلیل آن که ریاضیات یک مهارت زیربنایی و اساسی برای دستیابی به مشاغل رده‌ی بالا به ویژه مشاغل علمی و فنی است، احساس خودکارآمدی پایین در ریاضی یک مانع عمده برای دسترسی به مشاغلی است که مستلزم مهارت‌های ریاضی است. برای مثال، اکلس^۶ شواهدی مبنی بر نقش تصورات قالبی و کلیشه‌ای فرهنگی ارائه داده است. به نظر او بیشتر والدینی که ریاضیات را علمی مردانه می‌دانند توانایی ریاضی دختران خود را کمتر ارزیابی کرده و موفقیت دختران خود در ریاضی را به تلاش نسبت می‌دهند نه به توانایی. این والدین تمایل ندارند که دختران خود را به انتخاب رشته‌های ریاضی و کامپیوتر تشویق کنند (۱۱). تعجب‌آور نیست که دختران توانایی‌های خود در زمینه‌ی ریاضی و مشاغل فنی را باور ندارند. به اعتقاد محققین، توانایی ریاضی دختران و پسران تفاوت زیادی با همدیگر ندارد اما از دوران دبیرستان اعتماد دختران به توانایی ریاضی خود کمتر می‌شده و در نتیجه از فعالیت‌ها و رشته‌های مرتبط با ریاضی فاصله می‌گیرند تا جایی که تفاوت‌ها حالت واقعی پیدا کرده و همان‌طور که والدین فرض می‌کردند پسران از دختران پیشی می‌گیرند (۸). برعکس، برخی یافته‌های اخیر حاکی از عدم تفاوت بین خودکارآمدی ریاضی در دختران و پسران می‌باشد (۱۲).

با این حال، برخی شواهد موجود حاکی از آن است که دختران نه به خاطر عدم توانایی بلکه به خاطر ضعف در باور خودکارآمدی شغلی نسبت به انجام برخی فعالیت‌های شغلی نظیر مشارکت فعال در مدیریت‌ها و مشاغل رده‌ی بالا احساس ناتوانی از خود نشان می‌دهند. برای مثال، بتز و هاکت^۷ ملاحظه کردند که زنان به خاطر ضعف باورهای خودکارآمدی در زمینه‌ی انجام شغل‌هایی که به طور سنتی مردانه نامیده می‌شوند رشد حرفه‌ای و اهداف خود را محدود می‌سازند (۱۳).

زلدین و پاچارز^۸ به بررسی شرح حال زنانی پرداختند که در رشته‌هایی نظیر ریاضی، علوم و تکنولوژی، توفیقات زیادی

^۱Gender Differences^۲Self-Efficacy^۳Self-Concept^۴Self-Esteem^۵Career Self-Efficacy^۶Eccles^۷Betz and Hackett^۸Zeldin and Pajares

داشته‌اند. این محققان مشاهده کردند که زنان مذکور پیام‌های تشویق‌آمیز و دلگرم‌کننده از افراد پیرامون خود دریافت می‌کرده‌اند، مبنی بر این که در رشته‌های چالش‌انگیز و مردانه می‌توانند موفق شوند و این موفقیت برای آن‌ها ارزشمند بوده‌است (۱۴). شواهدی نیز در تایید رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده و پیشرفت درسی یا ارتقای دانش‌آموزان وجود دارد (۱۵). گارسیا^۱ معتقد است که دانش‌آموزان خانواده‌های بی‌بضاعت پیشرفت تحصیلی و عزت‌نفس کمتری دارند و متقاعد شده‌اند که فاقد توانایی و استعداد لازم هستند. علاوه بر این، به اعتقاد گارسیا بسیاری از این افراد شاهد الگوهای موفقی از خویشاوندان و یا اطرافیان خود نیستند و بنا بر این دچار درماندگی آموخته شده می‌شوند (۱۵). اسلاوین^۲ معتقد است که حتی اگر در مدرسه برای دانش‌آموزان خانواده‌های بی‌بضاعت فرصتی فراهم شود، از نظر یادگیری طی تعطیلات تابستانی و فعالیت‌های یادگیری خارج از مدرسه امکانات کمتری در مقایسه با سایر دانش‌آموزان دارند (۱۶).

هافمن^۳ مشاهده کرد که مادران طبقه‌ی اجتماعی اقتصادی متوسط، وقت بیشتری را صرف صحبت با کودکان خود می‌کنند، هدایت کلامی بیشتری داشته، در درک علل رویدادها و پیش‌بینی پیامدها به کودکان خود کمک کرده و فرزندان را به استقلال در حل مسئله تشویق می‌نمایند (۱۷). برخی محققین نیز عنوان کرده‌اند که دختران طبقات پایین اجتماع از نظر دسترسی به منابع خودکارآمدی در مضیقه هستند. آن‌ها فاقد الگوهایی از زنان موفق در رشته‌های علمی و مدیریتی هستند و در نتیجه خودکارآمدی ضعیف‌تری در مقایسه با دختران طبقات بالای اجتماع دارند (۹).

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در زمینه‌ی خودکارآمدی شغلی از این جهت حایز اهمیت است که در تمام جوامع در زمینه‌ی برابری حقوق زنان و مردان در اجتماع ادعاهای زیادی وجود دارد. با وجود آن که زنان نیمی از اجتماع را تشکیل می‌دهند و از نظر تحصیلی نیز توانمندی‌های قابل ملاحظه‌ای نشان داده‌اند

اما از نظر دستیابی به مشاغل مدیریتی و به طور کلی مشارکت فعال در اجتماع جایگاه پایین‌تری در مقایسه با مردان دارند (۱۸). با توجه به آن که باورهای خودکارآمدی به عنوان یکی از عوامل مهم در انتخاب رشته، شغل و پافشاری کردن در انجام تکالیف مطرح است، بررسی تفاوت دختران و پسران در خودکارآمدی شغلی می‌تواند اطلاعات مهمی در زمینه‌ی باورهای شغلی دختران در اختیار مسئولان و برنامه‌ریزان کشور قرار دهد. ضرورت انجام پژوهش‌های مربوط به بررسی باورهای شغلی دختران و پسران از بعد نظری نیز قابل توجیه است. تفاوت‌های جنسیتی در تمام زمینه‌ها به ویژه باور خود، مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران روان‌شناسی و تعلیم و تربیت قرار داشته است. به اعتقاد آنان پژوهش‌های زیادی در فرهنگ‌های مختلف لازم است تا بسیاری از ابهامات و تناقضات موجود در زمینه‌ی تفاوت‌های جنسیتی برطرف گردد. با توجه به مطالب بالا، هدف اصلی پژوهش حاضر، مقایسه‌ی خودکارآمدی شغلی دختران و پسران است. بر این اساس در پژوهش حاضر این سؤالات مورد بررسی قرار می‌گیرند که آیا بین میزان خودکارآمدی شغلی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ و آیا بین خودکارآمدی شغلی دختران خانواده‌های طبقات مختلف اقتصادی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ طرح سؤال اخیر به آن دلیل است که براساس برخی یافته‌ها دختران طبقات پایین اجتماع به خاطر آن که فاقد منابع خودکارآمدی از قبیل تجربه‌ی مستقیم شغلی یا حمایت‌های محیطی هستند ممکن است در مقایسه با دختران طبقات بالا از خودکارآمدی شغلی پایین‌تری برخوردار باشند.

روش کار

این پژوهش از نوع علی‌مقایسه‌ای است و جامعه‌ی آماری آن شامل تمام دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی استان فارس و نمونه‌ی پژوهش نیز شامل ۱۸۳۳ دانش‌آموز (۱۰۰۷ دختر و ۸۲۶ پسر) دبیرستانی است که به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. به این منظور ابتدا از بین مناطق مختلف استان فارس چهار منطقه‌ی کازرون، اوز، فیروزآباد و زرقان به عنوان معرف مناطق مختلف استان سپس

¹Garcia

²Slavin

³Hoffman

دامنه‌ی سنی آزمودنی‌ها ۱۴ تا ۱۷ سال با میانگین سنی ۱۵/۵ سال بود و از نظر وضعیت اقتصادی اجتماعی که بر اساس شغل پدر سنجیده شد عمدتاً (۶۱٪) در سطح متوسط بودند. ۱۳ درصد آنان از وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا و ۱۵ درصد از وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین برخوردار بودند (جدول ۲). به جهت رعایت اخلاق پژوهش، پرسش‌نامه‌ها با اجازه‌ی رسمی سازمان آموزش و پرورش استان فارس و با رضایت دانش آموزان تکمیل گردید.

تکمیل پرسش‌نامه‌ها به صورت بدون نام و تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت محرمانه صورت گرفت. پرسش‌نامه‌ها در قالب گروه‌های کلاسی اجرا و تکمیل آن‌ها در زمانی حدود ۲۰ دقیقه صورت گرفت.

با مراجعه به مدارس دخترانه و پسرانه‌ی هر منطقه و ناحیه، حدود ۳۰ دانش آموز از هر جنس و رشته‌ی تحصیلی (ریاضی، تجربی، علوم انسانی، فنی حرفه‌ای و کار و دانش) انتخاب شدند. ترکیب اعضای نمونه‌ی انتخابی از نظر مناطق جغرافیایی استان فارس به شرح مندرج در جدول (۱) می‌باشد.

جدول ۱- ترکیب اعضای نمونه به تفکیک جنس و منطقه

جنس	مناطق استان فارس					
	شیراز ۱	شیراز ۴	کازرون	فیروزآباد	زرقان	اوز
دختر	۱۸۱	۱۵۷	۱۶۰	۱۷۱	۱۵۴	۱۸۴
پسر	۱۵۲	۱۱۹	۱۵۴	۱۶۲	۱۵۵	۸۴
جمع	۳۳۳	۲۷۶	۳۱۴	۳۳۳	۳۰۹	۲۶۸
جمع	۱۸۳۳					

جدول ۲- ترکیب اعضای نمونه براساس وضعیت اقتصادی اجتماعی (شغل پدر)

طبقه‌ی اقتصادی (شغل پدر)	دختران		پسران		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بالا	۱۳۳	۷	۱۰۴	۶	۲۳۷	۱۳
متوسط	۶۲۱	۳۴	۵۰۳	۲۷	۱۱۲۴	۶۱
پایین	۱۵۳	۸	۱۲۴	۷	۲۸۷	۱۵
نامشخص	۱۰۰	۶	۹۵	۵	۱۹۵	۱۱
کل	۱۰۰۷	۵۵	۸۲۶	۴۵	۱۸۳۳	۱۰۰

آمد. همچنین، همبستگی بین این آزمون با آزمون هسته‌ی کنترل راتر به عنوان شاخصی از روایی محاسبه شد که میزان همبستگی به لحاظ آماری معنی‌دار بود ($r=0/41$). از آن‌جا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در فرهنگ ما اجرا می‌شد بر اساس یک مطالعه‌ی مقدماتی که بر روی دانش آموزان دو کلاس انجام شد، انطباقات و اصطلاحاتی در آن صورت گرفت. برای مثال، مشخص گردید که در فرهنگ ما برخی مشاغل نظیر پزشکی که در مقیاس بتز و هاکت به عنوان مشاغل سنتی مردانه محسوب می‌شوند وجه تمایز زیادی ایجاد نمی‌کنند و با ابهام در داخل طبقه‌ی شغل‌های مردانه قرار می‌گیرند. در نتیجه، این مشاغل حذف شدند و در نهایت ۱۶ شغل باقی ماندند که ۸ شغل آن به لحاظ سنتی زنانه و ۸ شغل دیگر مردانه محسوب می‌شوند. نمونه‌ی شغل‌های زنانه عبارتند

از ابزار اندازه‌گیری: برای اندازه‌گیری خودکارآمدی شغلی، مقیاسی براساس مقیاس خودکارآمدی شغلی بتز و هاکت تهیه شد. مقیاس اولیه شامل ۲۰ شغل بود که نیمی از آن‌ها به طور سنتی زنانه و نیمی دیگر مردانه محسوب می‌شوند (۱۳). این پرسش‌نامه مرکب از دو بخش است: در بخش اول، فرد باید بر روی یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای (از صفر تا ۹) میزان توانایی خود را برای انجام امور تحصیلی و آموزش‌های درسی مربوط به برخی مشاغل زنانه و مردانه برآورد نماید و در بخش دوم باید میزان توانایی خود را در زمینه‌ی انجام وظایف شغلی هر یک از آن حرفه‌ها (با فرض آن که در آن حرفه‌ها آموزش‌های لازم را دریافت کرده باشد) تخمین بزند. پایایی و روایی این ابزار مطلوب گزارش شده است (۱۳). در پژوهش حاضر، میزان آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۸۵ بدست

است که هر فرد برای به پایان رساندن تحصیلات دانشگاهی مشاغل زنانه در خود احساس می‌کند.

خودکارآمدی وظایف شغلی مشاغل مردانه که منظور از آن میزان اطمینانی است که هر فرد برای انجام وظایف شغلی مشاغل مردانه (بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه) در خود احساس می‌کند.

خودکارآمدی وظایف شغلی مشاغل زنانه که بیانگر میزان اطمینانی است که هر فرد برای انجام وظایف شغلی مشاغل زنانه (بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه) در خود احساس می‌کند.

پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها و محاسبه‌ی چهار نمره‌ی فوق برای هر فرد از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی از جمله تحلیل واریانس یک‌سویه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

از: پرستاری، مشاوره و روان‌شناسی، معلمی، مربی مهدکودک، منشی‌گری، تکنسین پزشکی، مهمان‌دار هواپیما، فروشنده‌ی نمونه‌ی شغل‌های مردانه نیز عبارتند از: خلبانی، مهندسی، وکالت، معماری، بانک‌داری، مدیریت، ریاضیدان، نظامی‌گری.

از آن‌جا که پاسخ‌ها بر روی مقیاسی از صفر تا ۹ نمره‌گذاری می‌شوند، حداقل نمره برای هریک از مقیاس‌های مشاغل زنانه و مردانه صفر و حداکثر آن ۷۲ می‌باشد. در مجموع با استفاده از این مقیاس، چهار نمره‌ی کلی برای هر فرد به دست می‌آید که عبارتند از: خودکارآمدی تحصیلی مشاغل مردانه که منظور از آن میزان اطمینانی است که هر فرد برای به پایان رساندن تحصیلات دانشگاهی مشاغل مردانه در خود احساس می‌کند. خودکارآمدی تحصیلی مشاغل زنانه که بیانگر میزان اطمینانی

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار نمرات خودکارآمدی شغلی به تفکیک مشاغل زنانه و مردانه در دختران و پسران

متغیرها	تعداد دختران = ۱۰۰۶		تعداد پسران = ۸۲۳	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
خودکارآمدی تحصیلی مشاغل مردانه	۲۸/۱۵	۲۲/۷۱	۲۸/۶۷	۲۰/۹۴
خودکارآمدی تحصیلی مشاغل زنانه	۲۷/۴۳	۲۲/۸۰	۲۹/۶۱	۲۰/۱۴
خودکارآمدی وظایف شغلی مشاغل مردانه	۳۶/۷	۲۲/۱۷	۲۵/۱۵	۲۲/۵۴
خودکارآمدی وظایف شغلی مشاغل زنانه	۳۶/۷۸	۲۲/۳۰	۲۵/۰۶	۲۱

نتایج

میانگین و انحراف معیار نمرات دختران و پسران در متغیرهای مورد مطالعه در جدول (۳) ارائه شده است. همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، میانگین نمره‌ی دختران در خودکارآمدی تحصیلی مشاغل مردانه، اندکی پایین‌تر از پسران است (۲۸/۱۵ در مقابل ۲۸/۶۷). در زمینه‌ی خودکارآمدی وظایف شغلی مردانه نیز خودباوری دختران (۲۷/۴۳) کمتر از پسران (۲۹/۶۱) است. این در حالی است که میانگین دختران در خودکارآمدی تحصیلی مشاغل زنانه بالاتر از پسران است (۳۶/۷ در مقابل ۲۵/۱۵). میانگین انجام وظایف شغلی مشاغل زنانه نیز در دختران بالاتر از پسران به نظر می‌رسد (۳۶/۷۸ در مقابل ۲۵/۰۶). به منظور مقایسه‌ی این میانگین‌ها و تعیین معنی‌داری تفاوت بین میانگین‌ها از تحلیل

واریانس استفاده شد که نتایج مقایسه‌ی میانگین دختران و پسران در هریک از این چهار متغیر در جدول (۴) مشاهده می‌شود. بر اساس جدول (۴)، در مورد مشاغل مردانه تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران در خودکارآمدی تحصیلی مشاغل مردانه وجود ندارد. این امر به آن معنی است که دختران احساس می‌کنند به اندازه‌ی مردان می‌توانند از عهده‌ی تحصیلات دانشگاهی و آموزش‌های مربوط به مشاغل مردانه‌ای نظیر وکالت، مدیریت و خلبانی برآیند اما در مورد خودکارآمدی انجام وظایف شغل‌های مردانه تفاوت معنی‌داری به نفع پسران مشاهده می‌شود. به این معنا که دختران کمتر از پسران احساس می‌کنند که از عهده‌ی انجام شرح وظایف شغل‌های مردانه‌ای نظیر وکالت، مدیریت، مهندسی و... بر می‌آیند.

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس تفاوت خودباوری شغلی از نظر اتمام تحصیلات شغل‌های مردانه در دوجنس

متغیرها	منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	F	P
خودکارآمدی تحصیلی مشاغل مردانه	بین گروهی	۱۲۲/۲۲	۱	۱۲۲/۲۲	۰/۲۷	ns
	درون گروهی	۸۳۶۲۴۴	۱۸۳۱	۴۵۶/۷		
	کل	۸۳۶۳۶۶	۱۸۳۲			
خودکارآمدی وظایف شغلی مشاغل مردانه	بین گروهی	۲۱۶۳/۹	۱	۲۱۶۳/۹	۴/۶۳	۰/۰۳
	درون گروهی	۸۵۴۶۵۱	۱۸۲۷	۴۶۷/۷۹		
	کل	۸۵۶۸۱۵	۱۸۲۸			
خودکارآمدی تحصیلی مشاغل زنانه	بین گروهی	۶۰۳۲۹	۱	۶۰۳۲۹	۱۲۰/۹۴	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۹۱۳۹۸	۱۸۲۷	۴۹۸/۸۵		
	کل	۹۷۱۷۲۷	۱۸۲۸			
خودکارآمدی وظایف شغلی مشاغل زنانه	بین گروهی	۶۲۲۶۳	۱	۶۲۲۶۳	۱۳۲/۳	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۸۶۱۶۳۳	۱۸۳۱	۴۷۰/۵۸		
	کل	۹۲۳۸۹۶	۱۸۳۲			

رانندگان، کارگران، کارمندان جزء و فروشنده‌گان دوره‌گرد قرار می‌گیرند. پدران بی‌کار و بازنشسته نیز در طبقات مجزا قرار می‌گیرند (۱۹). همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، بین دختران طبقات مختلف اجتماع از نظر خودباوری شغلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$).

آزمون تعقیبی تفاوت بین میانگین‌ها نیز نشان داد که از بین دختران طبقات مختلف اجتماع، تنها بین دخترانی که پدرانشان بی‌کار می‌باشد با دخترانی که پدرانشان در طبقه‌ی مشاغل سطح بالا قرار می‌گیرند، تفاوت آماری معنی‌دار وجود دارد. یعنی دخترانی که پدرانی با مشاغل سطح بالا نظیر پزشکی، مهندسی، تدریس در دانشگاه و کارمند یا افسر عالی‌رتبه میزان خودباوری شغلی بیشتری نسبت به دخترانی که پدرانشان بی‌کار می‌باشند، برخوردارند.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس یک‌سویه در مورد تفاوت بین

خودباوری شغلی در دختران دارای پدران با مشاغل متفاوت

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	F	P
بین گروهی	۱۲۶۸۴۸	۵	۲۵۳۷۰	۴/۱۴۳	۰/۰۰۱
درون گروهی	۵۱۹۳۴۳۷	۹۰۷	۵۷۲۶		
کل	۵۳۲۰۲۸۵	۹۱۲			

در مورد مشاغل زنانه، وضعیت به گونه‌ی دیگری است. به این معنا که میانگین نمره‌ی خودکارآمدی تحصیلی مشاغل زنانه در دختران به طور معنی‌داری بالاتر از پسران است. همین‌طور در زمینه‌ی انجام وظایف شغلی مشاغل زنانه نیز میانگین نمرات دختران به طور معنی‌داری بالاتر از پسران است. به بیان دیگر، دختران در زمینه‌ی انجام وظایف شغلی مشاغل زنانه‌ای نظیر پرستاری، منشی‌گری و مربی مهد کودک نسبت به پسران دارای باور خودکارآمدی بیشتری هستند.

به منظور بررسی تفاوت خودکارآمدی شغلی دختران متعلق به طبقات مختلف اقتصادی اجتماعی نیز از تحلیل واریانس استفاده شد. قابل ذکر است که اولاً در این‌جا منظور از خودباوری شغلی، نمره‌ی فرد در کل مقیاس خودباوری شغلی یعنی در هر دو بخش از مقیاس می‌باشد. ثانیاً در این پژوهش از شغل پدر به عنوان شاخص طبقه‌ی اقتصادی اجتماعی استفاده شده است. به این منظور بر اساس تقسیم‌بندی خیر هر یک از مشاغل به طبقات بالا، متوسط، پایین، بی‌کار، بازنشسته و فوت شده تقسیم شدند. طبقه‌ی بالا شامل پزشکان، مهندسان، اساتید دانشگاه، کارمندان عالی رتبه و افسران ارشد می‌باشد.

طبقه‌ی متوسط شامل کارمندان، نظامیان، روحانیون، صاحبان مشاغل آزاد و فرهنگیان است و بالاخره در طبقه‌ی پایین

بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه‌ی میانگین نمرات دختران در خودکارآمدی شغلی نشان داد که دختران باور داشتند که می‌توانند از عهده‌ی وظایف آموزشی و تحصیلی هر یک از مشاغل اعم از زنانه یا مردانه و نیز مشاغل کلیدی و مهمی که به طور سنتی مردانه نامیده می‌شوند برآیند اما در عین حال کمتر از پسران معتقد بودند که می‌توانند عهده دار مسوولیت‌ها و ایفا کننده‌ی نقش‌هایی باشند که برای آن مشاغل در نظر گرفته شده‌است. دختران باور کمتری به توانایی‌های شغلی خود برای انجام موفق هر یک از مشاغل مردانه داشتند. این نتایج در تایید یافته‌های محققانی است که مشاهده کرده‌اند دختران برای انجام شغل‌هایی که به طور سنتی مردانه نامیده می‌شود جرات و باور توانایی کمتری دارند (۲۰، ۱۳، ۹) و تحت تاثیر تصورات قالبی جنسیتی، رشته‌هایی انتخاب می‌کنند که زنانه به حساب می‌آید (۷).

یافته‌ی فوق شواهدی در حمایت از نظریه‌ی شناختی اجتماعی بندورا فراهم می‌نماید. بر طبق این نظریه، دستاورد عملکرد که شامل تجربه‌ی موفقیت‌آمیز فرد از یک شغل می‌باشد و نیز اقلان اجتماعی که به معنی حمایت‌ها و تشویق‌های اطرافیان فرد است از مهم‌ترین منابع خودکارآمدی شغلی محسوب می‌شوند و از آن جا که برای زنان در زمینه‌ی شغل‌های مردانه فرصت کمتری فراهم شده است، دور از انتظار نیست که آنان خودکارآمدی کمتری در زمینه‌ی این مشاغل داشته باشند. افزون بر این، دلایل^۱ و همکاران با مقایسه‌ی منابع خودکارآمدی در زنان و مردان مشاهده کردند که در رشته‌های کمی و پژوهش‌گری که مردانه به حساب می‌آیند نمره‌ی دختران از نظر تجربه‌ی موفقیت‌آمیز شغلی و دریافت بازخوردهای مثبت اجتماعی کمتر از پسران است (۱۸).

بر همین اساس، یافته‌ی مربوط به پایین بودن خودکارآمدی دختران در انجام وظایف مشاغل مردانه را می‌توان به کمبود فرصت‌های دختران برای تصدی این مشاغل نسبت داد.

می‌آیند، نتایج نشان داد که باور توانایی پسران کمتر از دختران است. این امر با یافته‌های موجود و نظریه‌ی شناختی اجتماعی بندورا هماهنگ است (۲۱). از دیدگاه بندورا، پسران منابع خودکارآمدی ضعیف‌تری برای مشاغل سنتی زنانه در اختیار دارند، به این معنی که نسبتاً فاقد تجربه‌ی مستقیم و جانشینی مشاغل زنانه هستند. همچنین، گرچه در پژوهش حاضر، علایق و ترجیحات شغلی آزمودنی‌ها مورد سنجش قرار نگرفت اما ممکن است یافته‌ی مزبور با عدم تمایل و علاقه‌ی پسران به انجام مشاغل سنتی زنانه و یا وجود کلیشه‌های جنسیتی مرتبط باشد و پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به این موضوع پرداخته شود.

نتایج بررسی رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده (شغل پدر) و خودباوری شغلی دختران نشان داد که از بین گروه‌های مختلف شغلی، فقط تفاوت خودباوری شغلی دخترانی که پدرشان بیکار بود با دخترانی که پدرانشان دارای مشاغلی در سطح عالی بودند معنی‌دار است. با توجه به آن که درصدهای پاسخ‌دهندگان، به سؤال مربوط به شغل پدر پاسخ نداده بودند یا پاسخ آن‌ها غیرقابل اتکا بود به نظر می‌رسد که این یافته را باید با احتیاط بیشتری نگریست. با این حال، یافته‌ی مذکور نشان می‌دهد که پدران بی‌کار الگوی شغلی موفق برای دختران خود فراهم نمی‌کنند و این بر خودکارآمدی شغلی دختران تاثیر منفی می‌گذارد. هم‌چنین ممکن است عوامل دیگری غیر از پایگاه اقتصادی اجتماعی در خودکارآمدی دختران نقش داشته باشد. برای مثال، وایت^۲ مشاهده کرد که رفتارهای واقعی والدین بیش از سطح درآمد خانواده یا شغل پدر و مادر پیش‌بینی‌کننده‌ی پیشرفت درسی بچه‌ها است (۹، ۲۲). بر همین اساس، به نظر می‌رسد عوامل دیگری نظیر شیوه‌های فرزندپروری و یا حمایت والدین از خودگردانی فرزندان در میزان خودباوری دختران تاثیر داشته باشد. بر مبنای یکی از یافته‌ها، والدینی که به سرمشق‌دهی، هدایت،

²White

¹Delisle

تشویق و پاداش رفتارهای خودگردان و خودمختار کودکان می‌پردازند کمک بیشتری به رشد خودگردانی آنان می‌کنند (۲۳). در نتیجه پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به بررسی تاثیر خودگردانی والدین در خودباوری دختران و به طور کلی باورهای تحصیلی و شغلی آنها توجه شود.

تحقیق حاضر کاربردهایی نیز برای مسئولان اجرایی و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دانش‌آموزان دارد که از جمله‌ی آن انجام اقداماتی به منظور افزایش و بهبود خودکارآمدی شغلی دختران است. آینده‌ی شغلی دختران را می‌توان با فراهم آوردن امکان تجارب موفقیت‌آمیز برای آنان بهبود بخشید. یکی از ابزارهای موثر برای رشد مهارت‌های گوناگون در زنان، آموزش مهارت محور می‌باشد به گونه‌ای که امکان توفیق زنان در مشاغل مختلف افزایش یابد. از آن جا که آموزش این مهارت‌ها نیاز به آموزش‌های پیشرفته و فن‌آوری‌های جدید دارد باور فرد برای یادگیری مهارت‌ها دارای نقشی اساسی در تمایل به حرفه‌های جدید می‌باشد.

راهکار دیگر جهت افزایش خودکارآمدی شغلی عبارت است از ایجاد و ارایه‌ی الگوهایی از افراد مشابه که نقش‌های شغلی خویش را به طور موفقیت‌آمیزی انجام داده‌اند. دانش‌آموزان دختری که در دانشگاه در رشته‌ها و شغل‌های مدیریتی پذیرفته شده‌باشند و از عهده‌ی انجام موفق آن‌ها برآیند الگوی خوبی برای سایر دانش‌آموزان دختر محسوب می‌شوند (۹). راهکار بعدی فراهم ساختن حمایت‌های اجتماعی است. تشویق و بازخورد مثبت به خصوص

بازخوردهایی که از طریق مربیان متخصص ارایه می‌شود نقش مهمی در تمایل دختران به مشاغل فنی و علمی دارد (۲۱). بر مبنای تحقیقات موجود، افرادی که از حمایت اجتماعی برخوردارند خودکارآمدی بالایی دارند. در نهایت، باورهای خودکارآمدی فرد را می‌توان از راه سازماندهی مجدد شناختی و تغییر نظام باورها و فرآیندهای فکری او اصلاح نمود. ازجمله‌ی این اقدامات تغییر در ملاک‌های خودارزیابی و ارزیابی از کارآمدی شخصی است (۲۴).

تحقیق حاضر دارای محدودیت‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها به ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری داده‌ها مربوط می‌شود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده ابزارهایی تهیه شود که هماهنگی بیشتری با فرهنگ ایرانی داشته باشد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به بررسی آزمایشی برخی راهکارها نظیر آموزش مهارت‌های مورد نیاز دختران، ارایه‌ی الگوها و یا بازخوردهای اسنادی مثبت پرداخته شود و با رویکردی آزمایشی به مقایسه‌ی تاثیر برنامه‌های فوق بر خودباوری دختران اقدام گردد.

تشکر و قدردانی

به این وسیله از سازمان آموزش و پرورش استان فارس به ویژه کارشناسی امور بانوان و کارشناسی مشاوره‌ی آن سازمان که در جمع‌آوری اطلاعات و اجرای پژوهش با نویسنده همکاری داشته‌اند، سپاس‌گزاری می‌گردد. تحقیق فوق با حمایت مالی سازمان آموزش و پرورش استان فارس انجام گرفته و با منافع شخصی نویسنده ارتباطی نداشته است.

References

1. Turner SL, Lapan RT. Evaluation of an intervention to increase non-traditional career interests and career-related self-efficacy among middle-school adolescents. *J Vocat Behav* 2005; 66(3): 516-31.
2. Swanson JL, Gore PA. Advances in vocational psychology theory and research. In: Brown SD, Lent RW. (editors). *Handbook of counseling psychology*. 3rd ed. New York: Wiley and sons; 2000: 233-69.
3. Helwig A. Sex and developmental differences by complexity of functions of occupational aspirations of school children across ten years. *Psychol Rep* 2002; 90: 597-605.
4. Turner SL, Lapan RT. Career self-efficacy and perceptions of parent support in adolescent career development. *J Career Dev* 2002; 51: 44-55.

5. Chung YB. Career decision-making self-efficacy and career commitment: Gender and ethnic differences among college students. *J Career Dev* 2002; 28: 277-84.
6. Betz NE, Schifano RS. Evaluation of an intervention to increase realistic self-efficacy and interests in college women. *J Vocat Behav* 2000; 56: 35-52.
7. Almiskry AS, Bakar AR, Mohamed O. Gender differences and career interest among undergraduates: Implications for career choices. *Eur J Sci Res* 2009; 26(3): 465-9.
8. Pajares F. Role of self-efficacy beliefs in the mathematical problem solving of gifted students. *Contemp Educ Psychol* 1996; 21: 325-44.
9. Bandura A. Self-efficacy: The exercise of control. USA: McGraw-Hill; 1997: 3.
10. Bozeman DP, Perrewew PL, Hochwarter WA, Brymer RA. Organizational politics, perceived control, and work outcomes: Boundary conditions on the effects of politics. *J Appl Soc Psychol* 2001; 31(3): 486-503.
11. Eccles JS. Bringing young women to math and science. In: Crawford M, Gentry M (editors). *Gender and thought*. New York: Springer-Verlag; 1989: 36-58.
12. Goodwin KS, Ostrom L, Scott KW. Gender differences in mathematics self-efficacy and back substitution in multiple-choice assessment. *J Adult Educ* 2009; 38(1): 22-42.
13. Betz NE, Hackett G. A self-efficacy approach to the career development of women. *J Vocat Behav* 1981; 18: 326-39.
14. Zeldin AL, Pajares F. Against the odds: self-efficacy beliefs of women in mathematical, scientific, and technological careers. *Am Educ Res J* 2000; 37: 215-46.
15. Garcia RL. Teaching in a pluralistic society: Concepts, models, and strategies. New York: Harper Collins; 1991: 59-89.
16. Slavin RE. Educational psychology: Theory and practice. 8th ed. New York: Johns Hopkins University press; 2006: 101-2.
17. Hoffman ML. Empathy, its limitations and its role in a comprehensive moral theory. In: Kurtines WM, Gewirtz JL. (editors). *Morality, moral behavior, and moral development*. New York: Wiley and sons; 1984: 283-302.
18. Delisle MN, Guay F, Senecal C, Larose S. Predicting stereotype endorsement and academic motivation in women in science programs: A longitudinal model. *Learn Individ Dif* 2009; 19: 468-75.
19. Khayyer M. [The examination of successful and unsuccessful self-perception among some groups of students of guidance school in Shiraz]. *Journal of social sciences humanities of Shiraz University* 1991; 6: 129-50. (Persian)
20. Jussim L, Harber KD. Teacher expectations and self-fulfilling prophecies: Known and unknowns, resolved and unresolved controversies. *Pers Soc Psychol Rev* 2005; 9(2): 131-55.
21. Hackett G, Betz NE, Casas JM, Rocha-Singh IA. Gender, ethnicity, and social cognitive factors predicting the academic achievement of students in engineering. *J Counsel Psychol* 1992; 39: 527-38.
22. White EM. Holisticism. *College Composition and Communication* 1984; 35: 400-409.
23. Fouladchang M, Latifian M. [The casual effect of parental self regulation on students' academic self regulation and their achievement]. *J Psychol Educ* 2003; 2: 135-54. (Persian)
24. Cambell NK, Hackett G. The effects of mathematics task performance on math self-efficacy and task interest. *J Vocat Behav* 1986; 28: 149-62.